

نقش اتحادیه اروپا در معاهده هسته‌ای ایران

دکتر طاهره ابراهیمی فر* نرگس آرین فر**

چکیده

مذاکرات نمایندگان اتحادیه اروپا (فرانسه، انگلستان، آلمان (E3) و ایران از تابستان سال 2003، در جهت دستیابی به یک راه حل مناسب برای حل و فصل بحران هسته‌ای ایران تداوم پیدا کرده است. از همان آغاز بروز بحران هسته‌ای ایران، اتحادیه اروپا به عنوان اتحادیه‌ای بزرگ و تأثیرگذار، خود را به عنوان یکی از طرف‌های اصلی حل و فصل مسئله هسته‌ای ایران معرفی نموده و این موضوع از سوی ایران نیز - با توجه به این مسئله که روند مذاکرات دو طرف همچنان ادامه پیدا کرده و هر دو طرف به لزوم ادامه آن اذعان دارند - مورد پذیرش قرار گرفته است. در تحقیق حاضر با توجه به اهمیت موضوع هسته‌ای ایران و جایگاه اتحادیه اروپا در روند حل و فصل این مسئله، با استفاده از روش تحقیق توصیفی - تحلیلی به دنبال بررسی تأثیر گذاری اتحادیه اروپا در روند حل و فصل بحران هسته‌ای ایران، به این نتیجه نائل آمدیم که با توجه به موضوعاتی همچون مسئله رقابت اقتصادی اتحادیه اروپا و ایالات متحده در خلیج فارس، تلاش اتحادیه اروپا برای عدم گسترش تسلیحات هسته‌ای و همچنین دورنمای الحاق ترکیه به اتحادیه اروپا که سبب همسایگی ایران و اتحادیه اروپا می‌شود، اتحادیه اروپا می‌تواند گزینه‌ای مناسب در جهت حل و فصل مسئله هسته‌ای ایران باشد.

کلید واژگان

اتحادیه اروپا، بحران هسته‌ای، تعلیق غنی سازی اورانیوم، کنترل تسلیحات، مذاکره

* دانشیار دانشکده علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.

** دانش آموخته کارشناسی ارشد روابط بین الملل دانشکده علوم سیاسی واحد تهران مرکزی.

مقدمه

تلاش ایران برای دستیابی به توانمندی هسته‌ای به سال‌های پیش از شکل‌گیری جمهوری اسلامی ایران باز می‌گردد. پیش از انقلاب، ایران به کمک کشورهای غربی به ویژه فرانسه و آلمان تلاش‌هایی را در جهت بهره‌مند شدن از انرژی هسته‌ای برای مصارف صلح‌آمیز آغاز نموده بود. البته در کنار مصارف صلح‌آمیز می‌توان به تمایل پهلوی دوم برای دستیابی به تسلیحات هسته‌ای نیز اشاره کرد. این موضوع را می‌توان از پاسخ محمدرضا شاه به سؤال یک مجله فرانسوی مبنی بر این که، آیا روزی خواهد بود که ایران دارای تسلیحات هسته‌ای شود، دریافت کرد. شاه در پاسخ به این سؤال گفته بود: «ایران در آینده تسلیحات اتمی خواهد داشت، بدون شک زودتر از آنچه که کسی فکرش را بکند.» (Bhatia 1988:84) اما دیری نپایید که با وقوع انقلاب و بروز تغییرات اساسی در کشور تلاش‌های هسته‌ای ایران نیز دست‌خوش شرایط جدید قرار گرفت.

موضوع تلاش ایران برای دستیابی به تسلیحات کشتار جمعی در کنار سه موضوع مهم دیگر یعنی، موضوع حقوق بشر در ایران، متهم کردن ایران به حمایت از تروریسم و مسئله مخالفت ایران با روند صلح‌خاورمیانه از همان سال‌های اولیه شکل‌گیری جمهوری اسلامی ایران مورد توجه کشورهای غربی قرار گرفت. با توجه به این موضوع طرح مسئله دستیابی ایران به تسلیحات اتمی موضوعی جدید نبوده بلکه به دوران گذشته به ویژه به زمان بحران کویت باز می‌گردد. در جریان بحران کویت که در سال‌های آغازین دهه نود شکل گرفته بود با آشکار شدن توفیق نسبی عراق در گسترش سلاح‌ها هسته‌ای و همچنین موشک‌های زمین به زمین و دور برد این کشور، قدرت‌های بزرگ نگرانی عمیق خود را از این مسئله نشان دادند (احتشامی 1378: 176-175) و در نهایت با همکاری یکدیگر قطعنامه‌ای حاوی تحریم‌های اقتصادی (مجازات‌های پیش‌بینی شده در مورد عراق را می‌توان بی‌سابقه دانست. تحریم عراق شامل تمام مواد و کالاهای مورد نیاز این کشور به جز دارو و مواد غذایی در شرایط انسان‌دوستانه گردید) و تسلیحاتی همچنین تحریم هوایی عراق را در شورای امنیت سازمان ملل به تصویب رساندند. (آقایی، 1375: 370) بر اساس قطعنامه شورای امنیت تا زمانی که صدام سلاح‌های کشتار جمعی‌اش را کنار نمی‌گذارد تحریم‌ها علیه این کشور ادامه پیدا می‌کرد. (<http://www.hamshahrionline.ir>) با توجه به این تجربه قدرت‌های بزرگ با کنترل ایران در زمینه مسائل هسته‌ای در صدد جلوگیری از ظهور عراقی دیگر که در پی دستیابی به تسلیحات هسته‌ای در منطقه خاورمیانه باشد برآمدند. از آن پس، تلاش‌های ایران

برای جلب همکاری کشورهای دارای توانمندی هسته‌ای نظیر چین و روسیه، توسط غرب به تلاش ایران برای کسب مواد مربوط به تولید سلاح‌های هسته‌ای تعبیر می‌شد (احشامی، 1378:181-175).

افزایش اهمیت مسئله هسته ای ایران تا حدی که تمامی ابعاد وجودی این کشور را تحت تأثیر خود قرار دهد به سال 2003 میلادی باز می‌گردد. در ژوئن سال 2003، در پی رویدادهای متعددی نظیر حادثه 11 سپتامبر و پیامدهای مهم آن و همچنین ایجاد شرایط مناسب برای طرح جدی مسئله هسته‌ای ایران از سوی غرب، موضوع هسته ای ایران ابعاد بین‌المللی یافت. در پی افزایش اهمیت مسئله هسته ای ایران، اتحادیه اروپا با توجه به افزایش حساسیت اعضای آن به این موضوع به عنوان یکی از طرف‌های اصلی حل بحران وارد معادله هسته ای ایران شده و به ایفای نقش پرداخت. از زمان آغاز بحران هسته ای ایران به شکل جدی، روند گفت‌وگویی ایران با اعضای اتحادیه اروپا از شکل گفت و گوهای سازنده و فراگیر به گفت‌وگوهای مشروط تغییر نمود. 15 کشور عضو اتحادیه اروپا در ژوئن 2003 با تصویب بیانیه ای به مقامات ایران هشدار دادند که مذاکرات اتحادیه با ایران مشروط به پیشرفت مثبت در زمینه احترام به حقوق بشر، جلوگیری از گسترش سلاح‌های هسته ای و تروریسم و روند صلح خاورمیانه است. (جعفری ولدانی، 1382:235)

اتحادیه اروپا در آغاز بروز بحران با ورود به روند حل و فصل بحران هسته‌ای ایران، راه حل دیپلماتیک و مذاکره را بر پی گیری راه حل سخت افزاری و ارجاع پرونده هسته‌ای ایران به شورای امنیت جهت رسیدگی به آن، ترجیح داد. علی‌رغم آن که اتحادیه اروپا همانند آمریکا خواهان جلوگیری از هسته‌ای شدن ایران بود ولی به دلایل گوناگون راه حلی متفاوت با آمریکا را در قضیه هسته‌ای ایران پی گرفت. صدور بیانیه تهران سرآغاز روند مذاکرات میان ایران و اتحادیه اروپا بود. در ادامه به بررسی عملکرد اتحادیه اروپا در قضیه هسته‌ای ایران خواهیم پرداخت.

سیاست اتحادیه اروپا در قبال هسته‌ای شدن ایران

بر اساس گفته‌های خاویر سولانا رییس سیاست خارجی اتحادیه اروپا، اروپایی‌ها به دنبال بازداشتن ایران از ادامه روندی که از دید آنها سبب دستیابی این کشور به تسلیحات هسته‌ای می‌شود از سیاستی دوسویه¹ بهره می‌برند (<http://news.xinhuanet.com/english>). یعنی از یک طرف بر ادامه روند دیپلماسی و مذاکره تأکید کرده از سوی دیگر با تنظیم پیش نویس قطعنامه علیه برنامه هسته‌ای ایران و

1 - dual strategy

تلاش برای همگام کردن همه اعضای شورای امنیت با اعمال فشار بر ایران از طریق تصویب قطعنامه‌های اقتصادی الزام آور در صدد تنبیه ایران برای ترک غنی سازی اورانیوم برمی آیند.

اروپا و آمریکا در مورد لزوم ترک غنی سازی اورانیوم توسط ایران دارای اختلاف نظری نبوده و نمی باشند اما روشهای متفاوتی را برای حل مسئله در پیش گرفتند. همانگونه که در بالا اشاره شد اروپا با ورود به روند حل و فصل بحران هسته‌ای ایران بر پی گیری دیپلماسی و روند مذاکره تأکید ورزیده و این راهی متفاوت با آن چه آمریکای پس از اشغال عراق می‌پنداشت بود. آمریکایی‌ها که خود تأثیر فراوانی بر آغاز بحران هسته‌ای ایران داشتند به دنبال ارجاع پرونده هسته‌ای ایران به شورای امنیت بودند تا از آن طریق مسئله هسته‌ای ایران را حل و فصل نمایند. تلاش‌های غرب برای بازداشتن ایران از ادامه روند غنی سازی اورانیوم را می‌توان در جهت کنترل گسترش تسلیحات هسته‌ای در نظام بین الملل به ویژه منطقه خاورمیانه دانست، زیرا گسترش تسلیحات در منطقه‌ای همچون خاورمیانه می‌تواند عامل به وجود آورنده مسابقه تسلیحاتی و چه بسا سرآغاز جنگی دیگر باشد. آمریکایی‌ها معتقدند جنگ جهانی سوم از خاورمیانه آغاز خواهد شد. (<http://www.mcclatchydc.com>)

اروپا در راستای سیاست دوسویه خود پرونده هسته‌ای ایران را جهت تنبیه این کشور به دلیل عدم توجه ایران به خواسته‌های شورای حکام و عدم توقف غنی سازی اورانیوم، به شورای امنیت سازمان ملل جایی که ایران با شرایطی دشوارتر رو به رو می‌شد ارجاع نمود.

اروپا سیاستی دوسویه را در مورد برنامه هسته‌ای ایران دنبال می‌نماید و تهدید به ارجاع پرونده هسته‌ای ایران به شورای امنیت سازمان ملل متحد نیز بخشی از این تهدیدات بود که سرانجام عملی گشته و پرونده هسته‌ای ایران با تنظیم پیش نویس بیانیه‌ای درباره مسئله هسته‌ای ایران، توسط دو کشور اروپایی فرانسه و انگلستان صورت پذیرفته و پرونده از دستور کار شورای حکام آژانس بین المللی انرژی اتمی خارج و به شورای امنیت محول گردید.

پس از آن که شورای حکام به قطعنامه پیشنهادی اتحادیه اروپا که خواهان ارجاع پرونده فعالیتهای هسته ای ایران به شورای امنیت بود رأی مثبت داد، خاویر سولانا، هماهنگ کننده اتحادیه اروپا قطعنامه را نشانه اجماع کشورهای عضو شورای حکام آژانس دانست و در عین حال تأکید کرد که هنوز درهای گفت و گو باز است. به علاوه اتحادیه اروپا خشنودی خود را از قبول قطعنامه پیشنهادی این اتحادیه اعلام کرد. (گلشن پژوه، 1384: 53).

جمهوری اسلامی ایران پس از آغاز بحران هسته ای خود در سال 2003 تا پایان سال 2007 میلادی با سه قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل متحد روبرو بوده که یکی از قطعنامه ها غیر الزام آور و دو قطعنامه دیگر الزام آور بوده اند. ایران همچنین در سال 2008 میلادی قطعنامه الزام آور دیگری را که حاوی تحریمهایی برای این کشور بود تجربه کرد. نکته قابل توجه در این تحریمها آن است که تحریمهای اقتصادی علیه ایران تاکنون شامل تحریم انرژی ایران نشده و این بدان دلیل است که در صورت تحریم انرژی ایران قیمت های جهانی نفت افزایش یافته و در نهایت همه دنیا و از جمله اتحادیه اروپا را تحت تأثیر قرار می دهد.

پرونده هسته ای ایران همچنان در شورای امنیت باقی است و به شورای حکام بازنگشته تا وضعیت پرونده هسته ای ایران به حالت عادی بازگردد. در حال حاضر احتمال تغییر رفتار اروپا در قضیه هسته ای ایران موضوعی دور از ذهن به نظر نمی رسد و این مسئله به دلیل تحولات جاری بین المللی و همچنین سیاست های جدید دولت آمریکا است زیرا ورود آمریکا به قضیه هسته ای ایران جهت مذاکره می تواند از تأثیر گذاری اتحادیه اروپا در این مسئله بکاهد که این اتفاق چیزی نیست که اروپایی ها خواهان آن باشند. (<http://www5.irna.ir>) شرایط کنونی می تواند بهترین موقعیت برای اتحادیه اروپا باشد تا پیش از ورود آمریکا به مذاکره هسته ای مستقیم با ایران دست به تلاش برای عادی سازی پرونده هسته ای ایران بزند تا هم اعتماد طرف ایرانی را جلب نماید که در آینده بر روابط دو طرف تأثیر فراوانی خواهد داشت و هم بر پرستیژ بین المللی خود در زمینه تأثیر گذاری بین المللی اش در امور مهم بین المللی بیافزاید.

نگرانی اتحادیه اروپا از فناوری هسته ای ایران

از دیدگاه کشورهای اروپایی، اگر هر یک از کشورهای خاورمیانه به قدرت نامتقارن دست یابد، در این صورت قادر خواهد بود تا موازنه منطقهای و بین المللی را دگرگون کند. بر اساس این نگرش، هرگونه تلاش ایران برای دستیابی به قدرت هسته ای می تواند نتایجی را برای تغییر در موازنه قدرت منطقه ای به وجود آورد و این امر به مفهوم آن است که ایران دارای جایگاه و همچنین ابزارهای بالقوه لازم برای تغییر در معادله سیاست بین الملل خواهد شد. (متقی، 1384: 6) اروپایی ها فناوری هسته ای ایران را تلاشی برای دستیابی به سلاح اتمی می دانند، زیرا معتقدند که ایران در میان همسایگان عرب خود دارای محبوبیت چندانی نیست و جز در مورد سیاست های اسرائیل در فلسطین نقطه مشترکی که باعث اتحاد میان این کشور و همسایگان

عریش شود وجود ندارد. اروپایی‌ها بر این باورند که ایران برای کاهش آسیب پذیری خود در منطقه خاورمیانه با توجه به پشت سر گذاشتن تجربیات تلخی نظیر جنگ هشت ساله با عراق و همچنین تجاوز نظامی آمریکا به کشورهای همسایه اش از جمله افغانستان و عراق نیاز به توانمندی هسته‌ای را نیاز اصلی خود تلقی می‌کند. این مسئله ای است که علی‌رغم اصرار ایران بر صلح آمیز بودن تلاش‌های هسته‌ای اش به حادترین و مهمترین موضوع دستور کار اتحادیه اروپا و غرب تبدیل شده است. (فلاحی، 1385: 192-191).

مخالفت اروپا با برنامه هسته‌ای ایران دلایل متعددی دارد. مطالعه علل نگرانیهای اروپا از دسترسی ایران به توانایی هسته‌ای راهنمای مناسبی در جهت شناخت و درک هرچه بیشتر سیاستهای متخذه از سوی این اتحادیه به عنوان طرف اصلی مذاکرات هسته‌ای ایران می‌باشد. با درک هرچه بیشتر علل نگرانی اروپا شاید بتوان راه حلی مناسب برای برخورد با این اتحادیه پیدا نموده و از همکاری این اتحادیه و اعضای آن برای حل و فصل آرام مسئله هسته‌ای ایران بهره برد. دلایل اصلی نگرانی اروپایی‌ها را می‌توان به شرح ذیل عنوان نمود:

1- شکست معاهدات جلوگیری از گسترش سلاحهای اتمی

اگر چه عضویت در پیمان منع گسترش سلاحهای هسته‌ای، ممکن است نشانه خوبی از قصد غیر هسته‌ای ماندن کشورها باشد ولی در موارد بسیار اندک مشخص شده که این معیار گمراه کننده بوده است. یکی از اعضای پیمان منع گسترش سلاحهای هسته‌ای، که حق آژانس بین المللی انرژی هسته‌ای برای بازرسی در قلمرو خود را مورد چالش قرار داده جمهوری دموکراتیک خلق کره (شمالی) است. این کشور پیمان منع گسترش را در سال 1985 امضا کرد اما تا تاریخ ژانویه 1992، موافقت نامه پادمانی (نظارت بر فعالیتها و تأسیسات) را با آژانس امضا نکرده بود، در حالی که به موجب مفاد پیمان، این موافقت نامه می‌بایست ظرف مدت 18 ماه از تاریخ عضویت امضا شود. (هاولت، 1383: 959) از دیگر اقدامات چالش برانگیز و نگران کننده کره شمالی باز پس گیری عضویت این کشور از NPT در تاریخ 10 ژانویه 2003 بود. خروج کره در تاریخ 10 آوریل 2003 قابل اجرا گردید و کره شمالی به عنوان اولین کشور خارج شده از پیمان NPT شناخته شد البته این کشور در 12 مارس 1993 نیز قصد خروج از پیمان را داشت که آن را عملی ننموده بود. پس از موارد چالش برانگیز مورد اشاره در سطور پیشین درباره کره یعنی عدم پایبندی به NPT و در نهایت خروج از آن، کره در 10 فوریه 2005 آشکارا دست یابی به تسلیحات هسته‌ای را اعلام کرده و نیز اعلام نمود که از گفت و گوهای 6 جانبه به میزبانی چین برای یافتن راه حل دیپلماتیک

درباره این موضوع صرف نظر کرده است. (<http://en.wikipedia.org/wiki>) این مورد، با توجه به الگوبرداری سایر کشورها از مورد کره شمالی، می‌توانست بر نگرانی از گسترش هسته‌ای در آینده دامن بزند. لذا در شرایطی که مسئله کنترل هسته‌ای به دغدغه‌ای جهانی به ویژه در نزد اروپاییان تبدیل شده بود وقایعی نظیر خروج کره از NPT و یا اعلام دستیابی این کشور به سلاح اتمی هشدار جدی به جهانیان و البته اروپایی‌ها درباره در معرض خطر بودن تلاش‌های جهانی در جهت هرگونه کنترل و خلع سلاح هسته‌ای تلقی می‌شد. چنین موضوعی در نهایت سبب مقابله جهانی با چنین وضعیتی می‌گردد. موضوع هسته‌ای ایران نیز زمانی به صورت جدی مطرح گردید که کره شمالی از عضویت در NPT انصراف داده بود و به نوعی باعث تضعیف این پیمان شده بود. غربی‌ها و به ویژه اروپایی‌ها پس از طرح موضوع هسته‌ای ایران به صورت جدی از همان گام‌های نخست در صدد برآمدن تا ایران را برای امضای NPT قانع نمایند و به نوعی این کشور را متعهد به پیمان‌های بین‌المللی کنند.

اروپاییان که تکثیر سلاح‌های کشتار جمعی و از جمله سلاح‌های هسته‌ای را یکی از نگرانی‌ها و مسائل مورد توجه خود در حوزه سیاست خارجی به شمار می‌آورند و آن را سبب کاهش ضریب امنیت و ثبات جهانی می‌دانند در طول سالین گذشته با تلاش‌های کشورهای غیر هسته‌ای برای هسته‌ای شدن که منجر به گسترش هسته‌ای می‌شود مخالفت ورزیده اند، (امیری، 1383: 239) موضوع ایران را نیز می‌توان در همین چارچوب بررسی نمود.

2- عدم اعتماد نسبت به برنامه های هسته ای ایران

الف) یکی از مسائلی که سبب عدم اعتماد اروپا نسبت به برنامه هسته‌ای ایران می‌شود، قرار گرفتن این کشور در منطقه‌ای بحران زا به نام خاورمیانه در میان همسایگانی نظیر هند و پاکستان (که دارای تسلیحات اتمی هستند) و از همه مهمتر نزدیکی به کشوری نظیر اسرائیل است. اسرائیل با توجه به اظهارات تند مقامات ایرانی درباره موجودیت این کشور همیشه در معرض تحریک و برانگیخته شدن در جهت استفاده از سلاح‌های هسته‌ای خود علیه ایران است زیرا اسرائیلی‌ها نیز از وجود ایران در نزدیکی خود احساس خطر می‌نمایند. در چنین شرایطی از دید اروپاییان تلاش ایران برای دستیابی به تسلیحات اتمی موضوعی دور از ذهن به نظر نمی‌رسد لذا سران کشورهای اروپایی در صدد حمایت از اسرائیل بر آمده و ایران را به «تحریک نسل کشی» متهم می‌نمایند. (<http://www.asriran.com>)

ب) دوم اینکه به دلیل تشابه تجربه تاریخی دارندگان سلاح هسته‌ای به وضعیت کنونی ایران، برای

این کشورها درک این موضوع که ایران فقط به دنبال استفاده صلح آمیز از انرژی هسته‌ای باشد کاری بس دشوار است. به عنوان مثال برنامه اتمی فرانسه به لحاظ تاریخی بسیار شبیه ایران است، هرچند که فرانسویها پیش از جنگ جهانی دوم به دانش دست یابی به سلاح هسته‌ای دست یافته بودند، اما عملاً پس از این جنگ و در زمان ریاست جمهوری ژنرال دوگل، فرانسه تلاش برای دست یابی به فناوری هسته‌ای را در قالبی کاملاً صلح آمیز در دستور کار قرار داد. آنها هیچ گاه تا زمانی که اولین آزمایش اتمیشان را در سال 1960 انجام دادند به انحراف از مقاصد صلح آمیز و تلاش برای رسیدن به سلاح اتمی اعتراف نکردند. لذا بر اساس این تاریخچه، اکنون برای فرانسویها مشکل است که این موضوع را باور کنند که جمهوری اسلامی ایران صرفاً قصد استفاده صلح آمیز از تکنولوژی هسته‌ای را دارد. (گزارش پژوهشی، 1386: 5)¹

ج) حمایت جمهوری اسلامی ایران از گروه‌هایی نظیر حزب الله و حماس طی سه دهه از وقوع انقلاب در ایران، این کشور را همیشه در معرض انواع اتهامات قرار داده است. در مورد موضوع هسته‌ای ایران نیز حمایت این کشور از حزب الله و حماس سبب عدم باور تلاش‌های صلح جویانه ایران برای دستیابی به توانمندی هسته‌ای می‌شود، زیرا غربی‌ها معتقدند که حمایت ایران از نزدیکان خود برای صدمه زدن به اسرائیل است و ایران به دنبال تسلیحات اتمی است تا با کمک نزدیکانش به موجودیت اسرائیل خدشه وارد آورد. (<http://yaleglobal.yale.edu>)

3- نزدیکی جغرافیایی اتحادیه اروپا با جمهوری اسلامی ایران

اروپاییها خاورمیانه را همسایه خود تلقی کرده و داشتن سلاحهای اتمی در این منطقه را بسیار خطرناک می‌دانند چرا که خود را در تیررس چنین سلاحهایی احساس می‌کنند. آنها اساساً منطقه خاورمیانه را بسیار بحران زا می‌بینند و همانند آمریکاییها معتقدند حتی ممکن است جنگ جهانی سوم از این منطقه آغاز شود. اروپاییها دو جنگ جهانی را پشت سر گذاشته‌اند و به هیچ وجه مایل به تجربه سومی نیستند (امینی، خوش اندام، 1386: 15). ایران را می‌توان نزدیکترین تهدید هسته‌ای در شرق اروپا به حساب آورد که این کشور را از یک همکار نزدیک به یک تهدید نزدیک برای اروپاییها تبدیل می‌کند. همانطور که روسیه اعلام کرد ایران غیر هسته‌ای همسایه استراتژیک ما است و ایران اتمی دشمن استراتژیک ما، اروپا نیز معتقد است ایران هسته‌ای خطری مستقیم به امنیت ارضی و حیات طبیعی مردم اروپا است. (حاج جعفری، 1383: 56)

بدون توجه به اطلاعات غیر رسمی، برد موشکهای ایران بیش از 2 هزار کیلومتر است که یک روند

1 - گزارش مذکور بر اساس سخنرانی دکتر محتشم کارشناس ارشد مرکز سیاست خارجی لندن در نشست تخصصی تحت عنوان «مواضع کشورهای 1+5 در قبال پرونده هسته ای جمهوری اسلامی ایران» تهیه شده است.

صعودی سریع را در دهه گذشته طی کرده است و قادر به حمل کلاهک نیز می باشد (حاج جعفری، 1383: 56). بر اساس داده های ماهواره های جاسوسی پنتاگون بزرگترین خطر از سوی ایران موشکهای شهاب 3 این کشور است که می تواند تا اسرائیل و مرزهای اروپا برسد. گفته می شود که ایران دارای حداقل 20 جایگاه برای تولید این موشکهاست که میتوانند به کلاهکهای شیمیایی نیز مجهز شوند. این موشکها به طور مداوم در گستره جغرافیایی ایران جا به جا می شوند تا کشف آنها دشوارتر شود. (www.aftabnews.ir) پس از آزمایش موشک شهاب 3 تبلیغ منفی که وزیر امور خارجه اسرائیل علیه جمهوری اسلامی ایران در سفری دورهای به کشورهای اروپایی ترتیب داده بود و در برگیرنده ملاقات و سخنرانی برای محافل گوناگون سیاسی، امنیتی و نظامی اروپایی بود، این پروژه را به یک اهرم علیه منافع ایران تبدیل کرد. او این گونه وانمود کرد که ایرانیها دیگر تنها برای ما خطر نیستند، بلکه آنها با در اختیار داشتن کلاهکهای شیمیایی - میکروبی و بعد هم هسته ای که اکنون در حال آماده کردن آن هستند، تهدیدی برای صلح و امنیت اروپا محسوب می شوند. (کولایی، 1382: 19)

4- نگرانیهای زیست محیطی

نگهداری و مدیریت تأسیسات اتمی به فن آوری سطح بالا نیاز دارد که ایران فاقد آن است. هر گونه سهل انگاری در بهره برداری از نیروگاه هسته ای (مانند بوشهر)، موجب نشت احتمالی رادیواکتیو در خلیج فارس خواهد شد و کلیه منابع نفتی را آلوده می کند. این بدان معناست که مصرف کنندگان اروپایی که 50 درصد از نفت خود را از خلیج فارس تأمین می کنند باید بنزین آلوده به رادیواکتیو را در اتومبیل خود بسوزانند که این مسئله برای آنها غیر قابل قبول است. لذا هم محیط زیست بین المللی و هم مصرف کنندگان اروپایی نسبت به مدیریت و امکانات تکنولوژیک در حفظ استاندارد نیروگاههای پیشرفته اتمی تردید دارند و هراسناکند که سلامت آنها به خطر افتد. جنبشهای حمایت از محیط زیست بیش از 50 سال است در اروپا فعال می باشند و طی جنگ سرد روسها این جنبشها را نخست از لحاظ مالی و سیاسی حمایت می کردند تا مانع از استقرار سلاحهای اتمی آمریکا در اروپا شوند.

حزب سبز آلمان نماد این تحرکات است. اگر این جنبشها را جنبشهای عاری از سلاحهای اتمیو نگرانیهای جهانی پیمان کیوتو و بقیه نگرانیهای زیست محیطی اضافه کنیم، حساسیت شهروندان و دولتهای اروپایی بیشتر قابل درک است. (حاج جعفری، 1383: 57)

5- مسابقه تسلیحاتی در خاورمیانه

تلاش ایران برای دسترسی به انرژی هسته‌ای سبب گرایش کشورهای منطقه به سمت هسته‌ای شدن شده و تمایل به داشتن انرژی هسته‌ای در میان دولتهای منطقه خاورمیانه به چشم می‌خورد همچنین این مسئله با افزایش گرایش جهانی به توانمندی هسته‌ای رابطه دارد. (<http://en.wikipedia.org>)

تسلیمات هسته‌ای، ایران را به کشور قدرتمندتری تبدیل می‌کند و به آن فرصت می‌دهد تا منافع خاص خود را با قدرت و توان بیشتری دنبال کند. دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای به رقابت در این زمینه و ترغیب کشورهای منطقه برای دستیابی به چنین تسلیحاتی دامن می‌زند و رژیم منع گسترش و سازمانهای مرتبط با آن را بی‌معنا می‌سازد. (احمدی لفورکی، 1387: 163)

انستیتوی بین‌المللی مطالعات استراتژیک¹ که مقر آن در لندن است با اشاره به اقدامات کشورهای خاورمیانه در دستیابی به انرژی اتمی اظهار نگرانی کرده است که ادامه برنامه هسته‌ای ایران و عدم پذیرش میثاقهای بین‌المللی از سوی اسرائیل احتمالاً باعث آغاز مسابقه هسته‌ای در این منطقه از جهان خواهد شد. بر اساس این گزارش طی سال 2007، 13 کشور جهان به طور ناگهانی اعلام کرده‌اند که در صد دستیابی به انرژی هسته‌ای هستند. «جان چیمین» مدیر این موسسه مطالعاتی در این باره می‌گوید: «ابراز علاقمندی این کشورها به آغاز برنامه هسته‌ای از این جهت حائز توجه است که اغلب آنان به منابع سنتی انرژی دسترسی ارزان داشته و هیچ سابقه مطالعات اتمی ندارند. (www.aftabnews.ir)

6- نگرانی از تحریک اسرائیل توسط ایران

ایران NPT را غیر منصفانه تلقی کرده و معتقد است که باید اسرائیل را مجبور به کنار گذاشتن برنامه تسلیحاتی خود کرد. ولی اسرائیل می‌گوید که در معرض مخاطره قرار دارد. (<http://news.bbc.co.uk>)

از دید اسرائیل، ایران در «حلقه دوم» محیط امنیتی این کشور قرار گرفته و تهدیدی برای دولت اسرائیل می‌باشد. بخشی از تعصب مذهبی جمهوری اسلامی ایران با اعلام مخالفت صریح با وجود دولت یهودی و نامیدن آن تحت عنوان «شیطان کوچک» برضد موجودیت صهیونیستی، جهت‌گیری شده است. ایران از شناسایی اسرائیل خودداری کرده و مقامات رده بالای این کشور خواهان نابودی دولت یهودی می‌باشند (اینبار، 1384: 208).

اظهارات رئیس‌جمهور ایران در مورد لزوم حذف اسرائیل از روی نقشه جهان که باعث تحریک اسرائیل

1 - International Institute for Strategic Studies (IISS)

شده احتمال به راه افتادن جنگ در منطقه را افزایش می دهد همچنین اظهارات محمود احمدی نژاد رئیس جمهور ایران مبنی بر انتقال اسرائیل به یکی از کشورهای اروپایی آلمان یا اتریش باعث عصبانیت اروپاییها شده است. در این زمینه آنگلا مرکل صدر اعظم آلمان در گفتگو با روزنامه فرانکفورتر آگماینه با اشاره به اظهارات محمود احمدی نژاد رئیس جمهور ایران مبنی بر انتقال اسرائیل به یکی از کشورهای اروپایی آلمان و اتریش خاطر نشان کرد: «شورای امنیت سازمان ملل باید به اینگونه اظهارات رئیس جمهوری ایران پاسخ دهد. مرکل افزود: چنانچه اعضای شورای امنیت سازمان ملل تصمیم به اقدامی بگیرند، آن تصمیم لازم الاجرا خواهد بود.» (www.aftabnews.ir)

در کنار موضوع محو اسرائیل، رئیس جمهور ایران موضوع هولوکاست را نیز مطرح نمود که این موضوع پایه استدلال مرکل قرار گرفته و وی با همانند شمردن شرایط آلمان به هنگام برآمدن نازیها و اوضاع جاری در ایران (زیر سؤال بردن هولوکاست و مخالفت با موجودیت اسرائیل که این دو موضوع با روی کار آمدن رییس جمهور احمدی نژاد مورد توجه روزافزون قرار گرفته است)، گفته بود که: جامعه بین المللی نمی تواند در برابر حکومتی که رئیس جمهور آن آشکارا واقعیت هولوکاست و موجودیت اسرائیل را زیر سؤال می برد، ساکت بنشیند و اجازه دهد که به جنگ افزار هسته ای دست یابد (حمیدی، 1385: 138). همچنین اعضای ثابت شورای امنیت سازمان ملل که روسیه و چین را هم در بر می گیرد اعلام نمودند که به دلیل لفاظیهای متخاصمانه ایران درباره اعراب و اسرائیل (محو اسرائیل از روی نقشه جهان) از زمان انقلاب، قصد دارند تا از دستیابی ایران به سلاحهای کشتار جمعی جلوگیری نمایند (www.guardian.co.uk). رییس جمهور احمدی نژاد خواهان حذف اسرائیل از روی نقشه جهان است و اسرائیل به هر حال می تواند در مقابل حمله ایران، در صدد تلافی برآمده و با تسلیحات وسیع هسته ای خود با آن مقابله کند. جورج بوش رییس جمهور ایالات متحده براین عقیده است که اجازه دستیابی ایران، به سلاحهای هسته ای مطالبه جنگ جهانی سوم خواهد بود (www.mcclatchydc.com) این موضوع یعنی جنگ سوم جهانی می تواند بر اثر تحریک اسرائیل و هم پیمانانش، جهت استفاده از نیروهای نظامیشان برای متوقف کردن ایران صورت پذیرد.

راه حل دیپلماتیک اتحادیه اروپا برای حل بحران هسته ای ایران

همانگونه که اشاره شد در آغاز بروز بحران هسته ای ایران اتحادیه اروپا راه حل دیپلماتیک را بر دیگر راه های حل بحران هسته ای ترجیح داده بود هرچند در ادامه ماجرا همگام با آمریکا موضوع هسته ای ایران

را به شورای امنیت فرستاد، اما این عملکرد اروپایی ها در راستای سیاست دوسویه آن اتحادیه برای برخورد با ایران قابل توجیه است. در اینجا این سؤال مطرح می شود که چه دلایلی سبب آن شد که اروپا از همان آغاز در صدد برخورد سخت افزاری با برنامه هسته ای ایران برنامده و موضوع را به نحوی دیگر پیگیری ننموده است؟ در این بخش به بررسی دلایلی که می تواند تا حدودی توضیح دهنده عملکرد اروپایی ها باشد می پردازیم.

1- دستور کار سال 2000 اتحادیه اروپا جهت تبدیل شدن این اتحادیه به یک بازیگر سیاسی جهانی، معیارها و پیش شرطهایی را در اولویت دستور کار خود قرار داد که از میان آن پیش شرطها، توانایی مذاکره به عنوان یک مشخصه ابزار سیاست خارجی اتحادیه اروپا چه در آرایش چند جانبه گرایی یا در قالب موافقتنامه های دوجانبه همکاری با طرف مقابل، نقش محوری یافت. (فلاحی، 1385: 170-169)

2- موضوع مهم دیگری که می تواند دلیل خوبی در راستای تلاش اروپا برای حل صلح آمیز مسئله هسته ای ایران باشد نزدیکی جغرافیایی ایران و اتحادیه اروپا است که این اتحادیه را در تیررس تحولات ایران و منطقه بحران زای خاورمیانه قرار می دهد. ایران توانمند از نظر موشکی، اگر به کلاهک های هسته ای دست یابد (با توجه به ادعاهای اروپایی ها)، می تواند از خاک خود کشورهای اروپایی را هدف قرار دهد (دهقانی فیروزآبادی، 1384: 67) و این عدم امنیت بالقوه، خواسته هیچ کشور و یا اتحادیه ای نمی باشد. بنابراین، این مسئله خود دلیلی مهم است که به ویژه در آغاز شکل گیری بحران سبب شد اروپایی ها از پی گیری روش های تحریک کننده و تشدید کننده بحران دوری گزینند و به نوعی آمریکا را از به راه انداختن جنگی دیگر در خاورمیانه باز دارند.

3- اروپا از طریق مذاکره در صدد حل و فصل مسالمت آمیز بحران هسته ای ایران برآمد زیرا اگر این اتحادیه موفق به حل بحران هسته ای ایران شود این موفقیت در نهایت آشکار کننده توانمندی اتحادیه اروپا در حل و فصل یک بحران بین المللی است که این خود به نوعی ایجاد کننده پرستیژ بین المللی برای اتحادیه اروپا است. (دهقانی فیروزآبادی 1384: 68)

4- اعتقاد اروپایی ها به ریشه یابی مسائل برای حل آنها را می توان یکی دیگر از دلایلی دانست که سبب گزینش راه حل دیپلماتیک به جای راه حل های سخت افزارانه برای حل یک بحران می شود. اروپایی ها برای حل مسائل به دنبال یافتن ریشه علت های¹ مسئله هستند (www.sgpproject.org) که یکی از راه های دستیابی به این ریشه ها را می توان مذاکره با طرف مقابل در راستای فهمیدن ریشه

1 - Root Causes. برای این اصطلاح که در سال 1905 برای اولین بار در مجلات تخصصی مورد استفاده قرار گرفت تفاسیر گوناگونی وجود دارد. در تعریف این اصطلاح می توان گفت: اولین علت از زنجیره علی که منجر به یک نتیجه یا اثر می شود را ریشه علت ها می نامند.

علت‌های ایجاد مسئله دانست. مذاکره سبب آشنایی هر چه بیشتر طرفین با افکار و آراء طرف مقابل می‌شود. قابل توجه است که این نوع از دیدگاه اروپایی یعنی ریشه یابی مسائل در مرحله اول با آمریکایی‌ها متفاوت است و یکی از دلایل انتخاب روش‌های سخت‌افزاری توسط آمریکا در مقایسه با اروپا را می‌توان همین تفاوت دیدگاه‌ها دانست.

5- موضوع دیگری که می‌تواند دلیل خوبی برای اجتناب از برخورد سخت‌افزاری اروپا و ارائه یک راهکار متفاوت از آمریکا در قضیه هسته‌ای ایران باشد افکار عمومی اروپا و آمریکا است. افکار عمومی اروپا و آمریکا دارای ارزیابی متفاوتی از میزان تهدیدات بین‌المللی هستند. بر اساس نتایج یک نظرسنجی که دو مؤسسه شورای روابط خارجی شیکاگو و مؤسسه آلمانی مارشال در ایالات متحده در خصوص افکار عمومی اروپا و آمریکا انجام داده‌اند، این نتیجه بدست آمد که اروپاییها عموماً مانند آمریکاییها به ارزیابی تهدیدات می‌پردازند (هر چند که در برآورد میزان شدت و ضعف این تهدیدات با هم تفاوت دارند). نتایج این نظرسنجی حاکی از آن است که اروپاییها خطر کمتری از سوی مسائل امنیتی جدید احساس می‌کنند و به همین خاطر در همان حد که احساس خطر می‌کنند در این خصوص عمل می‌کنند (امینی، 1383: 102). این تفاوت ارزیابی میزان تهدیدات تأثیر فراوانی بر تفاوت عملکرد اروپایی و آمریکایی در مورد یک موضوع واحد دارد. البته در این مورد برخی از منتقدین از جمله رابرت کیگان¹ معتقدند که اروپاییها در ارزیابی تهدیدات با دولت آمریکا هم نظر نیستند و این امر به‌این خاطر است که آنها آنقدر ضعیف هستند که نمی‌توانند کاری در این زمینه انجام دهند. اما برخی مانند یوشکا فیشر² وزیر امور خارجه سابق آلمان در این رابطه می‌گویند صرف نظر از تواناییهای نظامی اروپاییها، واکنش سیاسی اروپا نسبت به واکنش آمریکا در خصوص مسائل جدید تفاوت دارد. (همان منبع: 102)

زمینه‌های تأثیرگذار بر روند هسته‌ای ایران و اتحادیه اروپا

عوامل گوناگونی می‌تواند بر رفتار اتحادیه اروپا در قبال مسئله هسته ای ایران تأثیر گذار باشد، از آن جمله مسئله دورنمای پیوستن ترکیه به اتحادیه اروپا است که مرزهای جغرافیایی میان ایران و اتحادیه را به کلی از میان برداشته و سبب تأثیرگذاری و تأثیرپذیری متقابل ایران و اتحادیه اروپا بر یکدیگر خواهد شد. از دیگر مسائلی که می‌تواند تأثیرگذار و البته زمینه ساز روندی همکاری جویانه در جهت دستیابی

1 - Robert Kagan

2 - Joschka Fischer

ایران به تکنولوژی هسته ای صلح آمیز شود، مسئله رقابت اقتصادی میان کشورهای عضو اتحادیه اروپا با آمریکا در منطقه حیاتی خلیج فارس است. موضوع دیگر، کنترل تسلیحات هسته ای است که دارای اهمیت فراوانی برای اتحادیه اروپا در جهت تأمین امنیت این اتحادیه است. اروپا به دنبال کنترل گسترش هسته ای است و این مسئله می تواند زمینه خوبی را برای همکاری مثبت میان ایران و اتحادیه اروپا در جهت رسیدن به این هدف فراهم آورد. متغیرهای متعددی وجود دارد که بر روند هسته ای ایران و اتحادیه اروپا تأثیر می گذارد. این متغیرها عبارتند از:

الف) الحاق ترکیه به اتحادیه اروپا و تأثیر آن در مسئله هسته ای ایران

مسئله الحاق ترکیه به اتحادیه اروپا مدتهاست که مطرح شده و در حال پیگیری است، و عضویت ترکیه در اتحادیه اروپا که سبب خواهد شد ایران به همسایگی این اتحادیه درآید در حال بررسی است، البته روند پیوستن ترکیه به اتحادیه اروپا با مشکلاتی روبه رو است که الحاق این کشور به اتحادیه اروپا را میسر ن ساخته است. در صورت الحاق ترکیه به اتحادیه اروپا، کشورهای همسایه این کشور از جمله ایران به سبب نزدیکی به اتحادیه اروپا وارد موقعیت جدیدی خواهند شد. در این قسمت به دنبال بررسی این موضوع هستیم که احتمال الحاق ترکیه به اتحادیه اروپا و همسایگی ایران با اتحادیه بزرگ و قدرتمندی همچون اتحادیه اروپا با نگرشهای خاص خود به مسائل مختلف از جمله امنیت، چه تأثیری بر حل و فصل معادله هسته ای ایران خواهد داشت؟ این بررسی با تأکید بر این مسئله صورت می گیرد که تأمین امنیت یکی از مهمترین موضوعات مد نظر حکومتهاست و اتحادیه اروپا که از تجمع 27 کشور به وجود آمده است به دنبال حفظ و ارتقا امنیت اعضای خود است.

1. اتحادیه اروپا، اتحادیه ای امنیت محور است و امنیت از دید اروپایی ها تنها در امور نظامی خلاصه نمی شود. استراتژی امنیت اروپا که در دسامبر 2003 تصویب گردید، خطرات نشأت گرفته از ژئوپلیتیک اروپا و اصول عملیاتی آن را تعریف کرده و رویکردی مشترک در زمینه استفاده از قدرت نظامی را معین می نماید. تهدیدات کلیدی فراروی اروپا طبق این استراتژی عبارتند از تروریسم، گسترش سلاحهای کشتار جمعی، مناقشات منطقه ای (در رأس آن خاورمیانه)، حکومت های ورشکسته (به عنوان مثال در سومالی و افغانستان) و جنایات سازمان یافته. بدون شک بسیاری از این خطرات و چالشها از همسایه جنوبی اروپا یعنی خاورمیانه نشأت می گیرند یا این که از خصایص آن به شمار می روند. این استراتژی استفاده صرف از ابزارهای نظامی را برای غلبه بر خطرات ذکر شده کافی نمی داند و بیشتر بر شناخت دلایل پیچیده تروریسم و شکست

حکومت و استفاده ترکیبی از ابزارهای سیاسی، اقتصادی و نظامی (در صورت نیاز) به شکل همزمان تأکید دارد. (پرتس 1383: 20)

2. پذیرش اعضای جدید در اتحادیه اروپا و پیگیری سیاست گسترش به سوی شرق اتحادیه پس از جنگ سرد، بر مبنای تأمین امنیت این اتحادیه بوده است. در سالهای پس از آغاز گسترش اتحادیه اروپا به سمت شرق، سیاست همسایگی اروپایی¹، در جهت حمایت از استراتژی امنیتی اروپا، توسعه یافت. هدف ENP اجتناب کردن از خطوط جدا کننده جدید از طریق تقویت ثبات، امنیت و بهزیستی با همسایگان شرقی و سواحل جنوبی و شرقی دریای مدیترانه است. ENP بر اساس تعهد به ارزشهای دموکراسی و حقوق بشر، حکمرانی مطلوب²، اصول اقتصاد بازار و توسعه پایدار بنا شده است. «سیاست همسایگی اروپایی» پیشنهاد دهنده یک رابطه عمیقتر سیاسی، و یکپارچگی اقتصادی برای توسعه ارزشهایی که به صورت مؤثری به اشتراک گذارده شده اند و در برگیرنده یک دورنمای الحاق نمی شود (لژوماً در نهایت منجر به الحاق کشور خاص مد نظر به اتحادیه اروپا نمی شود) می باشد. این سیاست ایجاد هماهنگی در میان همسایگان اتحادیه اروپا حتی آنهایی که چشم اندازی از پیوستن آنها در آینده به اتحادیه وجود ندارد را نیز شامل می شود. (www.iri.org) (eu_borders.html) روسیه، به عنوان نمونه، یکی از این کشورها است که احتمال الحاق آن به اتحادیه وجود ندارد ولی اتحادیه اروپا و روسیه به دنبال همکاریهای دوجانبه هستند. اتحادیه اروپا و روسیه در سال 2005 بسته نقشه راهی را برای ایجاد فضاهای مشترک میان خود پذیرفتند. اروپا و روسیه از این طریق به دنبال فهم متقابل یکدیگر جهت رسیدن به علایق دوجانبه هستند. (www.iri.org/eu) این مسئله می تواند برای کشوری نظیر ایران نیز اتفاق بیافتد و در نهایت سبب تعامل مثبت میان ایران و اتحادیه اروپا در امور مورد علاقه دو طرف گردد.

3. معیارهای پذیرش اعضای جدید در اتحادیه اروپا (معیارهای کپنهاگ³) معرف خواسته های اتحادیه اروپا از اعضا و همسایگان جدید این اتحادیه است. اتحادیه اروپا برای پذیرش اعضای جدید، به دنبال

1 - European Neighborhood Policy (ENP)

2 - حکمرانی مطلوب (good governance) واژه ای است که اخیراً به صورت فزاینده ای در ادبیات توسعه مورد استفاده قرار می گیرد (<http://www.unescap.org>). درباره تعریف حکمرانی خوب (مطلوب) تعاریف متعدد و متفاوتی ارائه شده است، تعریفی که اتحادیه اروپا جهت این اصطلاح بیان می کند این است که حکمرانی خوب، مدیریت شفاف و پاسخگو در یک کشور با هدف تضمین توسعه اقتصادی و اجتماعی عادلانه و پایدار است» (<http://www.pajooh.com>).

3 - شورای اروپا در ژوئن 1993 در کپنهاگ پروسه بلند پروازانه ای را برای فائق آمدن بر میراث درگیری، نزاع و کشمکش و همچنین اتحاد مجدد اروپا آغاز نمود. در این اجلاس شورای اروپایی شرایطی را برای الحاق و پیوستن کشورهای متقاضی تعیین و تصویب نمود که به «معیارهای کپنهاگ» (Copenhagen criteria) معروف گردید. برای اطلاعات بیشتر نگاه کنید به:

http://en.wikipedia.org/wiki/Copenhagen_criteria

همسایگانی است که به خوبی حکومت شوند (well governed) و از نظر سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و تکنولوژیکی به حدی از توسعه رسیده باشند که سبب ایجاد ناامنی برای خود، منطقه و نظام بین الملل نگردند. (http://ue.eu.int/uedocs/cmsUpload/78367.pdf) این مسئله را می توان از شرایط و معیارهای لازم برای پیوستن اعضای جدید به این اتحادیه، که در مورد ترکیه حتی به صورت سختگیرانه تری اعمال می شود به خوبی درک کرد.

4. در صورت الحاق ترکیه به اتحادیه اروپا، این اتحادیه به همسایگی جمهوری اسلامی ایران در خواهد آمد. همسایگی ایران و اروپا تأثیرگذاری و تأثیرپذیری متقابل میان این دو را افزایش خواهد داد. در صورتی که ایران به دلیل الحاق ترکیه به اتحادیه اروپایی با این اتحادیه هم مرز گردد، آن گاه اتحادیه اروپا در قبال رفتار ایران و سیاست هایش نوعی منافع مستقیم احساس خواهد کرد، بنابراین اروپا چاره ای ندارد جز این که در این میان، نقش فعال و پیشرویی را بر عهده گیرد. اروپاییها در صدد همیاری و همکاری با ایران بر خواهند آمد تا در نهایت حاشیه امنی را برای خود ایجاد کرده و خطرات احتمالی تهدید کننده امنیت خود را به حداقل ممکن برسانند.

بنابراین، اگر ایران از نظر سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و تکنولوژیکی توسعه یافته باشد به دنبال بر هم زدن امنیت خود، منطقه و در کل نظام بین الملل نخواهد بود و در نهایت با توجه به تعریف اروپا از امنیت، این اتحادیه می تواند گزینه خوبی در جهت حل و فصل بحران هسته ای ایران باشد.

ب) رقابت اقتصادی اروپا و آمریکا بر سر مسئله هسته ای ایران

خلیج فارس منطقه ای استراتژیک و پر اهمیت واقع در منطقه مهم خاورمیانه است که از قرون گذشته مورد توجه قدرتهای زمان خود واقع شده و همچنان محلی پر رقابت برای کشورهای قدرتمند جهان به شمار می رود. جهت بررسی تأثیر رقابت اقتصادی اروپا و آمریکا بر مسئله هسته ای ایران در خلیج فارس در ابتدا لازم است به اهمیت خلیج فارس و دلایل ایجاد کننده رقابت میان کشورهای قدرتمند در این منطقه اشاره شود.

منطقه خلیج فارس با داشتن ذخایر عظیم نفت و گاز در شمار مهمترین اقلیمهای جهان به شمار می آید چرا که تنها بیش از 700 میلیارد بشکه نفت خام، (در حدود 55 درصد از کل ذخایر نفت جهان) در قلب زمینهای این منطقه جای دارد. (امامی، 1382: 239) بر اساس نتایج مطالعه ای تحت عنوان «روبارویی با

حقایق تلخ انرژی» در آمریکا که زیر نظر شورای ملی نفت آمریکا با همکاری 350 متخصص عالی رتبه ارائه شده است؛ در طول ربع قرن اخیر تقاضای انرژی جهانی تقریباً 60٪ افزایش یافته و به همراه خود زیرساختهای بسیار گسترده ای را در جهان ایجاد نموده است. پیش بینیها نشان می دهد که وضعیت رشد تقاضا در ربع قرن آتی نیز تغییری نخواهد کرد و همچنان شاهد رشد 60 درصدی تقاضای انرژی خواهیم بود، با این تفاوت که مبنای رشد تغییر کرده است و این به معنای آن است که قدر مطلق رشد مصرف بسیار بیشتر از ربع قرن گذشته است. در این میان نفت خام و گاز طبیعی نقش کلیدی خود در تأمین انرژی مورد نیاز را حفظ خواهند کرد و این حقیقت تلخی برای آینده جهان است. (نادریان، 1386: 53)

بنابراین به دو دلیل خلیج فارس در استراتژیهای جدید امنیت انرژی دارای اهمیتی دو چندان شده است:

- 1- افزایش تقاضا و 2- کاهش ذخایر نفت. با وجود ذخایر فراوان نفت و گاز هر قدرتی که بر منابع انرژی منطقه خلیج فارس مسلط باشد، کنترل اقتصاد جهان را به دست خواهد گرفت. (آذری، ابراهیمی، 1386: 144)

شواهد حاکی از آن است که نیاز دنیا به ویژه کشورهای صنعتی به انرژی در آینده از بین نخواهد رفت. در برنامه انرژی دولت آمریکا مصوب سال 2001 آمده است که منطقه خلیج فارس به عنوان مرکزی ترین نقطه در سیاست انرژی آمریکا باقی خواهد ماند. این نیاز روز افزون جهانی به نفت سبب شده است فرماندهی مرکزی ایالات متحده آمریکا¹ که مسئولیت عملیات در خاورمیانه را به عهده دارد اظهار کند: «هدف از درگیری آمریکا (در خلیج فارس) بر اساس استراتژی امنیت ملی آن است که دسترسی بدون وقفه آمریکا و متحدانش به نفت خلیج فارس را تضمین نماید. (الهی، 1386: 377)

نکته قابل توجه آن است که وابستگی کشورهای نظیر آلمان و فرانسه که از مهمترین اعضای اتحادیه اروپا هستند، به نفت و گاز وارداتی حتی بیشتر از آمریکا است. از این رو مناسبات با کشورهای خلیج فارس و تولیدکنندگان نفت و گاز در سیاستهای راهبردی و کوتاه مدت کشورهای پیش گفته از اهمیتی اساسی برخوردار است. (www.rahbord.de) موضوع نیاز روز افزون، به نفت و در کل انرژی می تواند دلیلی محکم برای ادامه تلاشها و رقابت های قدرتهای بزرگ در منطقه خلیج فارس باشد؛ بدین معنا که این کشورها برای دسترسی آسان به منابع انرژی منطقه به رقابت برای باقی ماندن در خلیج فارس و بهره برداری از آن ادامه خواهند داد.

در کنار موضوع اهمیت انرژی خلیج فارس، این منطقه بازار بزرگ جذب سرمایه نیز به شمار می رود

1 - The United States Central Command

که یکی دیگر از دلایل توجیه کننده رقابت در منطقه می باشد. با توجه به موارد مورد اشاره درباره اهمیت منطقه به ویژه از نظر دارا بودن انرژی، بررسی جایگاه ایران در منطقه خلیج فارس و تأثیر رقابت اروپا و آمریکا در قضیه هسته ای ایران از اهمیت ویژه ای برخوردار است. اما قبل از آن به بررسی عملکرد اتحادیه اروپا در عرصه رقابت با آمریکا در خلیج فارس پرداخته می شود.

در دهه 90 میلادی به دلیل از میان رفتن محدودیت های جنگ سرد، بازیگران اروپایی و آمریکایی برای نفوذ در منطقه خلیج فارس با یکدیگر به رقابت پرداختند و این امر بیانگر اهمیت مفهوم منافع بود که نقش اساسی در تعاملات بازیگران عرصه بین الملل دارد. اروپا برای پاسخگویی به منافع خود که از طریق منطقه خلیج فارس می توانست صورت پذیرد و با استفاده از شرایط پیش آمده که آمریکا را به سمت یکه تازی در منطقه سوق می داد وارد میدان رقابت با این قدرت گردید.

پس از جنگ جهانی دوم، وجود ثبات نسبی ناشی از رقابت های جنگ سرد از یک سو و توسعه نهادها و سازمان های منطقه ای و بین المللی دولتی و غیر دولتی در اروپا از سوی دیگر سبب آن گردید که این گونه تشکلهای به مرور زمینه تبادلات و همکاری های منطقه ای و قاره ای را در اروپا به وجود آورد و به تدریج با ارائه تجربیات موفق از فعالیتهای منطقه ای و قاره ای، بستر خروج اندیشه جوامع از دایره کشوری و نمادگرایی ملی به سمت تفکرات منطقه ای و کلان نگر بین المللی را به وجود آوردند.

از دیگر نکات قابل توجه در قرن بیستم که تا قرن بیست و یکم نیز امتداد یافته است، این است که در چارچوب نظام سلسله مراتبی قدرت، عامل نظامی جای خود را به عامل اقتصادی داده به صورتی که کشورهای دارای تکنولوژی، صنعت و اقتصاد برتر در صحنه بین المللی از حضور مقتدرانه تری برخوردار هستند. در چنین شرایطی اروپاییها ضمن تلاش در جهت ارتقای توان اقتصادی و نزدیک شدن به جایگاه واقعی خود در صحنه بین المللی، اقدام به بازنگری در روابط سنتی و دیرینه خود کرده و خط مشی و تدابیر نوینی را در راستای ایفای نقش جدید خود در عرصه جهانی ارائه داده که تاکنون کارنامه قابل قبولی را در اجرای برنامه های خود ارائه کرده اند. (خالوزاده، 1383: 46)

مزیت های همکاری متقابل ایران و اتحادیه اروپا

با آزادسازی کویت در 1991 و اعلام نظم جهانی نو، آمریکا توانست کنترل مناطق نفت خیز جنوب خلیج فارس را به دست گیرد. در مقابل، اروپاییها نیز برای تضمین دسترسی بلند مدت خود به نفت، شروع به سرمایه

گذاری در صنایع نفت ایران و عراق کردند. از سوی دیگر، ایران هم که نیاز به سرمایه گذاری در صنایع نفت و گاز خود داشت و با تحریم آمریکا روبه رو بود، ناگزیر بود به اروپا روی آورد در نتیجه اروپا توانست به بازار کاملاً غیر رقابتی ایران دست یافته و از آن بهره ببرد. (جعفری ولدانی، 1382: 48) این موضوع نشان می دهد که به جز فراوانی انرژی در ایران نبودن رقیبی چون آمریکا در ایران نیز می تواند مزیتی دیگر برای اعضای اتحادیه اروپا جهت بهره گیری از ایران برای رقابت با آمریکا به حساب آید. اروپا به دلیل تداوم روابط خود با ایران پس از انقلاب اسلامی و بهره گیری از عدم روابط ایران و آمریکا همواره توانسته از منابع انرژی ایران بهره مند گردد. با توجه به افزایش روز افزون نیاز کشورهای دنیا به ویژه کشورهای صنعتی به منابع انرژی، در صورتی که اتحادیه اروپا بتواند با حل و فصل بحران ایران اعتماد این کشور را جلب نماید و با توجه به علاقه دوجانبه ایران و اروپا برادامه روند همکاری در زمینه انرژی به ویژه صادرات گاز ایران، اتحادیه با بهره گیری از جو اعتماد دوجانبه خواهد توانست به اهداف خود مبنی بر دسترسی به منابع انرژی و تأمین امنیت آن رسیده و از آن در جهت رقابت با آمریکا بهره گیرد. ایران با دارا بودن منابع سرشار انرژی و موقعیت ژئوپلتیک خود می تواند تکیه گاه خوبی برای تأمین انرژی و در کنار آن به وجود آوردن امنیت انرژی برای اتحادیه اروپا باشد این موضوعی است که مقامات اروپایی نیز آن را اعلام می کنند. اروپاییها به دنبال متنوع سازی منابع گاز این اتحادیه هستند و ایران با دارا بودن بیشترین منابع گاز پس از روسیه (میرترابی، 1384: 23-24)¹ می تواند پاسخ گوی این نیاز اروپا باشد.

در راستای همکاری های متقابلی که می تواند بر پایه موضوع رقابت اروپا و آمریکا شکل بگیرد ایران خواهد توانست از همکاری اروپا برای حل و فصل بحران هسته ای خود بهره برد همان گونه که اتحادیه اروپا خواهد توانست از منابع و موقعیت ایران در جهت رقابت اقتصادی با ایالات متحده در خلیج فارس بهره مند گردد.

ج) تلاش اروپا برای کنترل هسته ای

یکی از اهداف سیاسی و امنیتی اتحادیه اروپا کنترل تسلیحات است. تلاش ایران برای دستیابی به فناوری هسته ای نیز از دیرباز مورد توجه غرب بوده است به صورتی که اروپاییها در گفت و گوهایی خود

1 - اساس گزارش آماری شرکت نفت بریتانیا (بی. پی) لیوان در ردیف دوم نخستین دارندگان بیشترین ذخایر اثبات شده نفت و گاز پس از عربستان و روسیه است، البته در بعضی از منابع آماری، کانادا را در رده دوم قرار داده اند که این موضوع با توجه به غیر متعارف بودن ذخایر ماسه های نفتی و عدم انطباق ماهیت این منابع با آنچه در تعاریف رایج در طبقه بندی ذخایر آمده است، صرفاً یک ترفند تبلیغاتی است برای جذب سرمایه گذاری و مطرح ساختن قطب جدید منابع نفتی به عنوان رقیب نفت منطقه خورمیان (http://www.shana.ir/132055-fa.html).

با ایران پس از انقلاب این موضوع را در دستور کار همیشگی خود گنجانده اند. ولی نگرانیهای اروپا از تلاشهای ایران برای دستیابی به سلاح هسته ای تا قبل از سال 2003 تا حدی که اکنون مورد توجه اروپاییها قرار گرفته، مورد توجه نبوده است. در پاسخ به این که چرا این موضوع در سالهای آغازین سده جدید تا این اندازه با اهمیت شد (به ویژه برای اروپاییها) باید به این مسئله اشاره کرد که بعد از حوادث 11 سپتامبر 2001 نگرانی فزایندهای مبنی بر اینکه سازمانهای تروریستی بتوانند به تسلیحات کشتار جمعی¹ دست یابند با این احساس که رژیمهای موجود دارای نقص امکانات برای جلوگیری از تهدیدات گسترش تسلیحات هستند ترکیب گردید و سبب احساس نیاز به پاسخگویی شدیدتر به مسئله شد. در کنار این مسئله حمله آمریکا به عراق باعث ایجاد شکاف میان کشورهای اروپایی از یک طرف و شکاف میان دو سوی آتلانتیک از طرف دیگر شد در این زمان اروپاییها به در پیش گرفتن یک رهیافت مشترک در زمینه برخورد با تهدید گسترش، احساس نیاز کردند. (www.acronym.org.uk) اروپاییها در سال 2003 با تنظیم استراتژی امنیتی اروپا موضوع گسترش تسلیحات هسته ای را با در نظر گرفتن شرایط ویژه آن زمان، مورد توجه قرار دادند. با توجه به این مسأله موضوع هسته ای ایران می تواند مورد مناسبی برای آزمایش استراتژی امنیتی اروپا در زمینه مقابله با گسترش سلاحهای هسته ای سال 2003 باشد. (Shannon, 2005: 2)

مسئله قابل توجه این است که نگرانی اروپاییها از موضوع هسته ای ایران یک نگرانی جدی است و آنها بر واقعی بودن نگرانشان از دستیابی ایران به تسلیحات اتمی تأکید می ورزند و خواستار توجه ایران به این موضوع و تلاش این کشور برای جلب اعتماد بین المللی هستند. اروپاییها به لزوم دستیابی ایران به انرژی هسته ای برای مصارف صلح آمیز تحت نظارت NPT آگاهند و بطور یقین می دانند که جلوگیری از این روند ممکن نیست. سه کشور اروپایی حق ایران را بر اساس ماده پنج NPT برای توسعه تحقیقات، تولید و استفاده از انرژی هسته ای بدون تبعیض با تعهدات آن تحت NPT؛ شامل حق ایران برای توسعه برنامه تولید برق هسته ای غیر نظامی به رسمیت شناخته و اعلام می کنند که بر اساس توافق کلی، آنها تمایل دارند از ایران برای توسعه برنامه تحقیق و توسعه برق هسته ای غیر نظامی که از نظر اقتصادی، علمی و هماهنگ با معیارهای منع گسترش است و با نیازهای انرژی ایران تطابق دارد، حمایت کنند و به طور کامل از همکاری بلند مدت در حوزه هسته ای غیر نظامی بین ایران و روسیه حمایت کامل به عمل آورند. (حجازی، 1384، 141) ولی در عین حال خواهان کسب این اطمینان هستند که ایران در جهت گسترش تسلیحات قدم بر نمیدارد. اروپا توقف

1 - weapon of mass destruction (WMD)

غنی سازی در ایران را راهی برای فهمیدن اهداف صلح آمیز این کشور می داند؛ مسئله‌ای که ایران آن را خط قرمز به حساب آورده و حاضر به انجام آن نیست. این دقیقاً نکته مهم افزایش دهنده اختلافات دو طرف ایرانی و اروپایی است. سولانا رییس سیاست خارجی اتحادیه اروپا در ژوئن سال 2008، به ایران پیشنهاد کرد که در صورت موافقت ایران با به تعلیق درآوردن غنی سازی اورانیوم در این کشور غرب حاضر به کمک به ایران در زمینه برنامه صلح آمیز هسته‌ای و تعلیق تحریم‌های سازمان ملل است. (<http://news.bbc.co.uk>) غرب خواستار توقف غنی سازی اورانیوم در ایران است زیرا نگران استفاده ایران از پروسه غنی سازی در جهت تهیه بمب اتم است، ولی ایران بر حق مسلم خود در غنی سازی برای تأمین سوخت نیروگاه‌های اتمی‌اش در آینده، پافشاری می‌نماید. (<http://www.abc.net>)

پیامدهای هسته‌ای ایران بر اتحادیه اروپا

مسئله مهمی که در کنار موضوع نگرانی اروپا از دستیابی ایران به بمب اتم وجود دارد این است که بحران هسته‌ای ایران به مباحثات مهمی بین 189 عضو NPT دامن زده است، مباحثی که تلاش‌های کنترل هسته‌ای را تحت تأثیر فراوانی قرار می‌دهد این مباحث از قرار ذیل است:

- 1- بحث بین کشورهای دارای تسلیحات هسته ای و کشورهای فاقد این تسلیحات برای پایان دادن به استانداردهای دوگانه بر سر گسترش تسلیحات هسته ای؛
- 2- بحث بر سر نحوه برخورد حقوقی با متخلفین؛
- 3- بحث بر سر استفاده نامحدود از انرژی هسته ای با اهداف صلح آمیز و تعمیق حقوق نظارتی IAEA؛

- 4- بحث بر سر کشورهای چویند، هند، پاکستان و اسرائیل که پیمان NPT را امضا نکرده اند. اگر بحران هسته ای ایران به شکل صلح آمیزی حل نشود آنگاه این اختلافات بالا خواهد گرفت که در این صورت اگر ایران به مانند کره شمالی تصمیم به خروج از NPT بگیرد، پیامد آن بی اعتباری و تضعیف بیش از حد، سازمان ملل متحد برای منع گسترش تسلیحات هسته ای یعنی NPT است. (احمدی لفورکی، 1386: 102)

بی اعتبار شدن معاهده NPT می تواند سبب پیگیری برنامه هسته ای توسط اعضای فاقد سلاح هسته ای آژانس گردد که در نهایت سبب گسترش تلاش این گروه از اعضا در جهت دست یابی به سلاح هسته ای خواهد

شد و تمامی تلاشهای معاهده و اعضای دارای سلاح هسته ای را در جهت عدم گسترش ناکام خواهد گذاشت. در این میان اروپاییها که در تلاش برای جلوگیری از گسترش سلاح هسته ای هستند به دلیل آن که خطر آن را در منطقه ای بحران زا (خاورمیانه) در نزدیکی خود احساس می کنند از شکست خوردگان این میدان خواهند بود.

عدم موفقیت تلاشهای اروپایی برای حل بحران هسته ای ایران همراه با بدترین سناریوی ممکن یعنی خروج ایران از NPT همچون عملکرد کره شمالی، خواهد توانست بهترین دلیل برای کسانی باشد که معتقدند مکانیسمهای امنیتی NPT کارایی نداشته و ندارد و در نهایت تلاشهایی را که طی سالیان دراز در زمینه کنترل گسترش هسته ای در عصر حاضر صورت پذیرفته را زیر سؤال خواهد برد. خروج ایران از NPT بعد از خروج کره شمالی در سال 2002 به معنای پایان رژیم جهانی منع گسترش هسته ای است. در این میان ایران به الگویی برای دیگر کشورها تبدیل خواهد شد و دیگر کشورهای منطقه خاورمیانه همچون مصر که به تازگی به پیمان منع گسترش پیوسته و آن را امضا کرده است، در کارایی این مکانیسم شک کرده و خود راهی همانند راه تهران را دنبال خواهد کرد. در حقیقت ایران به الگویی در میان کشورهای فاقد سلاح هسته ای به ویژه در منطقه خاورمیانه تبدیل خواهد شد که این موضوع تلاشهای جهانی برای کنترل تسلیحات را نابود خواهد کرد. (همان منبع: 103 - 102)

اروپا به دنبال تقویت نهادهای بین المللی در راستای سیاست چندجانبه گرایی در مقابل سیاست یک جانبه گرایی آمریکا است. خروج ایران و یا تضعیف NPT، می تواند زمینه ساز تکروی و یکجانبه گرایی آمریکا در مورد مسئله هسته ای ایران شود. لذا مسئله هسته ای ایران از جهت تقویت نهادهای بین المللی بعد جهانی داشته و با تغییر کاربرد و فضای بحثهای آژانس از حقوقی به سیاسی، ادامه عضویت ایران در آن برای طرفداران چندجانبه گرایی اهمیت بیشتری می یابد. (حاج جعفری، 1383: 58) حل بحران هسته ای ایران به همراه امضای قراردادی برای آغاز مباحث جدی درباره ایجاد مناطق عاری از تسلیحات هسته ای، می تواند به ایجاد چنین مناطقی در نقاط مختلف جهان از جمله خاورمیانه منجر شود و این می تواند پاسخی مثبت برای تلاشهای اتحادیه اروپا جهت عدم گسترش سلاحهای هسته ای باشد. (احمدی لفورکی، 1386: 103)

نتیجه گیری

با توجه به مطالب مورد اشاره، ایران و اتحادیه اروپا دارای نقاط مشترکی می باشند که می توان با مورد

توجه و مطالعه قرار دادن آنها و سپس به کارگیری این مطالعات، موفق به یافتن راه حلی شد که پس از گذشت چندین سال به یکی از حساس ترین بحران های جمهوری اسلامی ایران پایان دهد.

در تحقیق حاضر سه نقطه مشترک میان ایران و اتحادیه اروپا مورد مطالعه قرار گرفته و در نهایت این نتیجه حاصل آمد که اتحادیه اروپا با توجه به اهمیت فراوانی که برای حفظ امنیت چند بعدی خود قائل است و اینکه در صورت پیوستن ترکیه به این اتحادیه، ایران به همسایگی این اتحادیه در خواهد آمد، قابلیت فراوانی برای حل و فصل بحران هسته ای ایران به صورت صلح آمیز دارد. اتحادیه اروپا برای تأمین امنیت خود، به دنبال آن است که همسایگانی داشته باشد که دارای توسعه در زمینه های گوناگون اقتصادی، تکنولوژیکی، اجتماعی و سیاسی و... باشند، این مسئله را می توان از شرایط و معیارهای (معیارهای کپنهاگ) لازم برای پیوستن اعضای جدید به این اتحادیه، که در مورد ترکیه حتی به صورت سختگیرانه تری اعمال می شود به خوبی درک کرد. اروپا به دنبال حلقه ای از دولتهای خوب حکومت شونده¹ در اطراف خود است و با وجود تهدیداتی که در سند استراتژی اتحادیه در سال 2003 تعریف شده است، این اتحادیه به دنبال اعمال روشها و تاکتیکهایی است که بتواند در نهایت امنیت خود را در تمامی زمینه ها، حفظ نماید.

حل بحران ایران ایجاد کننده حاشیه ای امن برای اتحادیه اروپا خواهد بود که این امر از مسائل حیاتی اتحادیه به شمار می آید. ایران با ثبات و به دور از بحران و همچنین توسعه یافته از نظر اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و تکنولوژیک (که دسترسی به توانمندی بهره برداری صلح آمیز از انرژی هسته ای را نیز شامل می شود)، در صدد بر هم زدن امنیت خود، منطقه و نظام بین الملل برنخواهد آمد. در نتیجه اروپا در راستای دستیابی ایران به تکنولوژی هسته ای بر اساس تعریف این اتحادیه از امنیت، می تواند گزینه ای مناسب برای حل و فصل بحران هسته ای ایران باشد.

نکته مهم دیگر، موقعیتی است که در صورت حل بحران هسته ای ایران می تواند نصیب اتحادیه اروپا شود و آن بهره گیری از موقعیت تأثیرگذار جمهوری اسلامی ایران در منطقه حساس خلیج فارس است. اتحادیه اروپا با حل بحران هسته ای ایران موفق به جلب اعتماد این کشور شده و از وضعیت ایجاد شده برای ادامه رقابت خود با آمریکا در خلیج فارس بهره خواهد برد و همچنین از انرژی ایران برای متنوع سازی منابع انرژی و در نتیجه تأمین امنیت آن که دارای اهمیت فراوان است بهره مند خواهد شد.

با توجه به جایگاه استراتژیک ایران در منطقه خلیج فارس و همچنین برخورداری این کشور از ذخایر

1 - well governed

فراوان نفت (دومین کشور دارای بیشترین ذخایر اثبات شده نفت جهان) و گاز جهان (دومین کشور دارای بیشترین ذخایر اثبات شده گاز جهان)، ایران می تواند دارای نقش تعیین کننده ای در رقابت آمریکا و اتحادیه اروپا در منطقه خلیج فارس باشد، به ویژه با توجه به عدم حضور مستقیم آمریکا بزرگترین مصرف کننده انرژی جهان در این کشور. ایران با دارا بودن منابع سرشار نفت و گاز می تواند بهترین تأمین کننده انرژی به ویژه گاز برای اعضای اتحادیه اروپا باشد. موضوع مهمی که درباره اتحادیه اروپا وجود دارد این است که اتحادیه به دنبال متنوع سازی منابع انرژی خود جهت تأمین امنیت انرژی در بلند مدت است و این موضوع ناشی از عدم اعتماد اتحادیه اروپا به روسیه در تأمین انرژی اش است. باید در همین جا به این موضوع نیز اشاره کرد که اهمیت انرژی ایران برای اروپا بدان حد بود که تصمیم گیری بر سر تحریم آن از سوی اروپا را با دشواری رو برو ساخت. با وجود این مسئله ایران می تواند از فرصت استفاده کرده و با بهره گیری از مزیت های موجود کشور در زمینه انرژی و امنیت آن به همکاری با اروپا پرداخته و حتی از این طریق از اتحادیه در جهت حل و فصل بحران هسته ای کشور نهایت استفاده را ببرد.

در نهایت به عنوان آخرین متغیر مورد بررسی در این نوشتار در صورت حل و فصل مسالمت آمیز بحران هسته ای ایران توسط اتحادیه اروپا نتایج ذیل، در زمینه کنترل هسته ای به دست خواهد آمد:

1. معاهدات بین المللی از خدشه به دور خواهند ماند و تلاش هایی که در جهت کنترل و عدم گسترش تسلیحات صورت پذیرفته است، نابود نخواهد شد. حل صلح آمیز بحران هسته ای ایران به عنوان دلیل محکمی برای کارایی پیمان NPT و نظارت بر چرخه سوخت هسته ای ارزیابی خواهد شد.
2. ایران در صورت خروج از NPT و عدم توجه به معاهدات و خواسته های بین المللی به الگویی برای سایر کشورهای فاقد تسلیحات تبدیل نخواهد شد که در صورت وقوع این اتفاق گسترش هسته ای و مسابقه تسلیحاتی (به ویژه در منطقه خاورمیانه) از عواقب آن خواهد بود.
3. اتحادیه اروپا از خطرات گسترش هسته ای در منطقه بحران زای خاورمیانه که از نظر جغرافیایی در نزدیکی آن قرار دارد به دور خواهد ماند.
4. در صورت حل بحران هسته ای ایران نهادهای بین المللی که در راستای سیاست های چندجانبه گرایی عمل می کنند در مقابل تکرورهای یک جانبه گرایانه آمریکا پیروز خواهند شد و این خواسته طرفداران چندجانبه گرایی همانند اتحادیه اروپا است که به تحقق می پیوندد.
5. حل و فصل مسالمت آمیز بحران هسته ای ایران می تواند موفقیت استراتژی امنیتی اروپا را در زمینه

گسترش سلاح‌های هسته‌ای نمایان سازد.

6. اتحادیه اروپا خواهد توانست از این رهگذر خود را به عنوان اتحادیه تأثیرگذار بر مسائل حساس و

مهم بین‌المللی معرفی نماید.

بهره‌گیری از چنین متغیرهایی که به نوعی نقاط مشترک نزدیک‌کننده ایران و اروپا تلقی می‌شوند تنها در سایه به‌کارگیری یک دیپلماسی هنرمندانه و هوشمندانه امکان پذیر خواهد بود. یک دیپلماسی دقیق و هوشمندانه نه تنها خواهد توانست از موقعیت اتحادیه اروپا در راستای حل و فصل بحران هسته ای جاری کشور بهره‌مند گردد که حتی خواهد توانست در آینده از همکاری‌های اتحادیه اروپا در راستای توسعه فعالیت‌های هسته ای غیر نظامی کشور نیز بهره‌مند شود.

منابع

1. ابراهیمی، محمد، *حکمرانی خوب (مطلوب)*،
http://www.pajoohe.com/fa/index.php?Page=definition&UID=31794_ftn1
2. احتشامی، انوشیروان (1378)، *سیاست خارجی ایران در دوران سازندگی*، ترجمه: ابراهیم متقی و زهره پوستین چی، تهران: انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
3. احمدی لفورکی، بهزاد (1386)، «دیدگاه‌های کارشناسان و مراکز مطالعاتی»، *پرونده هسته ای ایران (۳)*، تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.
4. احمدی لفورکی، بهزاد (1387)، «بازدارندگی: کلید حل مسئله هسته ای ایران»، *پرونده هسته ای ایران (۴)*، تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.
5. الهی، همایون (1386)، *خلیج فارس و مسائل آن*، تهران: قومس.
6. امامی، محمدعلی (1382)، عوامل تأثیرگذار در خلیج فارس، تهران: وزارت امور خارجه، مرکز چاپ و انتشارات.
7. امیری، مهدی (1383)، «تبیین مواضع و عملکرد اتحادیه اروپا در قبال برنامه هسته‌ای ایران»، *کتاب اروپا (۳)*، تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.
8. امینی، آرمین و خوش اندام، بهزاد (1386)، «تحلیل جایگاه سلاح‌های کشتار جمعی در روابط و مذاکرات ایران و اتحادیه اروپا»، *فصلنامه تخصصی علوم سیاسی و روابط بین‌الملل*، دانشگاه آزاد اسلامی - واحد تهران مرکزی، پیش شماره چهارم، پاییز.
9. امینی، نرجس (1383)، «روابط سیاسی آمریکا و اتحادیه اروپا در دوران بوش»، *کتاب اروپا (۴)*،

- تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین المللی ابرار معاصر تهران.
10. اینبار، افرایم (1384)، «ایران هسته ای: پیامدهای منطقه ای»، ترجمه: بهزاد احمدی لفورکی، پرونده هسته‌ای ایران (۲): روندها و نظرها، تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین المللی ابرار معاصر تهران.
11. آذری، مصطفی و ابراهیمی، ایلناز (1386)، چشم انداز انرژی در خاورمیانه و امنیت اقتصادی ج.ا.ایران، تهران: مؤسسه تحقیقاتی تدبیر اقتصاد.
12. آقای آقایی، داوود (1375)، نقش و جایگاه شورای امنیت سازمان ملل متحد در نظم نوین جهانی، تهران: پیک فرهنگ.
13. بیلیس، جان و اسمیت، استیو (1383)، جهانی شدن سیاست: روابط بین الملل در عصر نوین، ترجمه: ابوالقاسم راه چمنی و دیگران، هاوالت، داریل، «گسترش هسته ای»، جلد دوم، تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین المللی ابرار معاصر تهران.
14. پرتس، فولکر (1383)، «اروپا و طرح خاورمیانه بزرگ تر آمریکا: مسائلی اساسی برای گفت و گو»، بولتن ویژه، تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین المللی ابرار معاصر تهران، بهمن.
15. پهلوان، عیسی و برومند، آرش، تلاش اتحادیه اروپا برای یافتن جای پا در خلیج فارس، http://www.rahbord.de/artikel/EU_Persiangolf.htm
16. جعفری ولدانی، اصغر (1382)، روابط خارجی ایران بعد از انقلاب اسلامی، تهران: انتشارات آوای نور.
17. حاج جعفری، علی (1383)، «علل نگرانی اروپا از برنامه هسته ای ایران»، ماهنامه دیدگاهها و تحلیلها، جلد 18، شماره 186، آذر.
18. حجازی، حسین (1384)، «ارزیابی حقوقی و سیاسی پیشنهادات سه کشور اروپایی به جمهوری اسلامی»، پرونده هسته‌ای ایران (۲): روندها و نظرها، تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین المللی ابرار معاصر تهران.
19. حمیدی، محمد محسن (1385)، «دیپلماسی، ذهنیت سازی و پرونده هسته ای ایران»، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، سال بیستم، شماره 7-8، فروردین - اردیبهشت (پیاپی 224).
20. خالوزاده، سعید (1383)، «مناسبات فرآتالانتیکی ارزیابی روابط اتحادیه اروپایی و آمریکا»، کتاب اروپا (۴)، تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین المللی ابرار معاصر تهران.

21. دهقانی فیروزآبادی، سید جلال (1384)، «گفتگوهای هسته ای ایران و اروپا (از آغاز تا نشست بروکسل)»، *اطلاعات سیاسی-اقتصادی*، سال نوزدهم، فروردین - اردیبهشت.
22. فلاحی، علی (1385)، «استراتژی امنیتی اروپا در قبال خاورمیانه: با تأکید بر روند صلح خاورمیانه و اهمیت همکاری با ایران»، *کتاب اروپا (۷)*، تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین المللی ابرار معاصر تهران.
23. کولایی، الهه (1382)، «چشم انداز روابط ایران و اتحادیه اروپا در چارچوب تحولات جهانی (گفت و گو با دکتر الهه کولایی)»، *کتاب اروپا (ویژه اتحادیه اروپا)*، تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین المللی ابرار معاصر تهران.
24. گلشن پژوه، محمود رضا (1384)، *پرونده هسته ای ایران (۲): روندها و نظرها*، چاپ اول، تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین المللی ابرار معاصر تهران.
25. متقی، ابراهیم (1384)، «محدودیت‌های استراتژیک و بازدارندگی شکننده»، *همشهری دیپلماتیک*، شماره پنجاه و هشت، اول مرداد.
26. محتشم (1386)، *گزارش پژوهشی با موضوع «بررسی مواضع کشورهای ۱+۵ در قبال پرونده هسته ای ایران»*، نشر پژوهشکده مطالعات راهبردی، آذر.
27. میرترابی، سعید (1384)، *مسائل نفت ایران*، تهران: نشر قومس.
28. نادریان، محمد امین (1386)، «ایالات متحده و رویارویی با حقایق تلخ انرژی»، *اقتصاد انرژی*، شماره 96، مهر.
29. *نگاهی به اشتباهات مردی که فقط به اسلحه و جنگ می‌اندیشید*، سه شنبه 5 آبان 1383، <http://www.hamshahrionline.ir/hamnews/1383/830805/world/siasatw.htm>
30. Arch, Roberts Jr. (2009), *Why Iran Seeks Nuclear Weapons*, <http://yaleglobal.yale.edu/display.article?id=11793>.
31. Bhatia, Shyam (1988), *Nuclear Rivals in the Middle East*, London & New York: Routledge.
32. EU's Neighbor Policies, http://www.rri.org/eu_borders.html
33. European security strategy, (2003), *a Secure Europe in a Better World*,
34. Interview with MS. Annalisa Giannella (2004), <http://www.sgpproject.org/>

resources/Gianella%20March%201%2004.html.

35. Kile, Shannon N. (2005), **Europe and Iran: Perspectives on Non-Proliferation**, OXFORD UNIVERSITY PRESS.
36. Mac Askill Ewen and Chris McGreal, (2005), **Israel Should be Wiped off Map, Says Iran's President**, <http://www.guardian.co.uk/world/2005/oct/27/israel.iran>.
37. Portela, Clara (2004), The EU and the NPT: **Testing the New European Nonproliferation Strategy**, <http://www.acronym.org.uk/dd/dd78/78cp.htm>.
<http://ue.eu.int/uedocs/cmsUpload/78367.pdf>
38. Strobel, Warren P. (2007), **Some Common Questions about Iran's Nuclear Program**, <http://www.mcclatchydc.com/homepage/story/21071.html>.

